

«سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در دومین دولت کلینتون»

سخنرانی سی. دیوید ولج، کفیل دستیار وزارت خارجه آمریکا
در امور خاور نزدیک در انجمن ملی آمریکاییان عرب تبار
واشنگتن، دی. سی.

۱۸ ژوئن ۱۹۹۷

با تشکر از خلیل، برای معرفی صمیمانه‌اش و سپاس از همه کسانی که این فرصت را به من دادند تا در انجمن ملی آمریکاییهای عرب تبار (NAAA) و انجمن عرب-آمریکا صحبت کنم. ما از خدمات ۲۵ ساله انجمن ملی آمریکاییان عرب تبار برای آموزش دادن به مردم آمریکا و اعضای خودش در زمینه‌های مورد علاقه قدردانی می‌کنیم. ما در وزارت خارجه از علاقه‌مندان خط شما در اینترنت هستیم تا از این راه از علایق شما آگاه شویم. ما نقش سازنده‌ای را که انجمن ملی آمریکاییان عرب تبار در بحث سیاسی در مورد چگونگی دستیابی به صلح عادلانه، فراگیر و پایدار در خاورمیانه بازی می‌کند، ارج می‌نهیم.

نمی‌دانم کدام یک از شما در نشست ماه مارس گذشته وزیر امور خارجه،

*. National Association of Arab Americans.

البرایت، با نمایندگان جامعه عرب - آمریکایی حضور داشتید، اما اجازه دهید به آگاهی شما برسانم که وزیر - امور خارجه - آن نشست را تفاهم همه جانبه در مورد مسائلی چون شهرک سازی، بیت المقدس، هویت فلسطینی - آمریکایی و توهای ما نسبت به قطعنامه های سازمان ملل درباره حار حوما / جبل ابو غنیم را بسیار سودمند تشخیص داده است. این گفت و شنود برای ما اهمیت دارد.

خوشوقتم از اینکه از من درباره سیاست خاورمیانه در باقی مانده دوره دوم ریاست جمهوری کلینتون پرسیده اید. من این فرصت را یافته ام که به عنوان کفیل دستیار وزارت خارجه در امور خاور نزدیک سیاستی را تشریح کنم که جانشینم - خود دستیار وزیر - مجبور خواهد شد آن را دنبال کند. چه قدرتی خود را برای همه پرسشهای شما در مورد همه جنبه های سیاست خاورمیانه ای آمریکا آماده کرده ام، ولی به دلیل کمی وقت، بیشتر اظهاراتم درباره فرآیند صلح خاورمیانه، عراق و ایران خواهد بود.

اجازه دهید اظهاراتم را در مورد خاورمیانه با نگاهی به گذشته آغاز کنم. دو هفته پیش در دانشگاه هاروارد، البرایت خواستار ایجاد جهانی شد که «در آن رشد مشترک اقتصادی امکان پذیر باشد، کشمکشهای خشونت آمیز متوقف شوند، و آنانی که پیرو قانون هستند، احساس امنیت بیشتری بکنند».

خاورمیانه از آن رو توجیه مردم را جلب می کند که مکان یکی از پایدارترین کشمکشهای سیاسی جهان به شمار می رود. از دیدگاه بسیاری از مردم، کشورهای خاورمیانه تنها طرفهای آن مناقشه تلقی می شوند، و نه کشورهایی که با مسائل عادی تأمین رفاه ملت‌های خود سرو کار دارند. آنچه ما مایلیم در سالهای آینده شاهدش باشیم، این است که کشورها و ملت‌های خاورمیانه، همان گونه که وزیر خارجه گفته است، همه توان خود را به سمت رشد مشترک اقتصادی بدور از کشمکش، معطوف کنند.

من گوی بلورینی در اختیار ندارم، ولی به شما می گویم که دولت کلینتون در

سه سال ونیم آینده این هدفها را دنبال خواهد کرد:

- دستیابی به صلح عادلانه، فراگیر و پایدار اعراب و اسرائیل؛

- حفظ امنیت اسرائیل؛

- کمک به پیشرفت کشورهای عرب در زمینه رفاه و تکثرگرایی

- برقراری روابط مستحکم و سودمند دوجانبه با دیگر شریکان منطقه ای

- جلوگیری از کشمکشهای منطقه ای و مهار خطرات ناشی از ایران، عراق و

لیبی؛

- تضمین جریان آزاد نفت خلیج فارس؛

- رویارویی با تروریسم و تکثیر سلاحهای کشتار جمعی؛

- تقویت فرصت‌های بازرگانی برای شرکتهای آمریکایی و افزایش شمار مشاغل

برای شهروندان آمریکایی.

اکنون که از منافع و هدفهای رسمی ما آگاهی یافتید، بگذارید بسادگی بگویم

برای دستیابی به آنها چه خواهیم کرد:

- نخست: تلاش برای بیرون کشیدن فراگرد صلح از بن بست کنونی، ابتدا با

متقاعد ساختن فلسطینیان و اسرائیلی‌ها به اینکه آنان به برآوردن خواسته‌های یکدیگر

نیاز دارند، به شما می‌گویم که این مأموریت همان قدر دشوار است که رسانه‌ها

گفته‌اند. اما ضرورت هم دارد، زیرا صلح فراگیر، ورای نفس عمل، به خنثی‌سازی

تندروی در منطقه و بی‌ثباتی ناشی از آن کمک می‌کند؛

- دوم: انجام هرکار ضروری برای تضمین اینکه رژیم کنونی عراق بار دیگر امنیت

منطقه‌ای را به خطر نیندازد؛

- سوم: واداشتن حکومت ایران به تغییر سیاستهایی که نه تنها ما، بلکه جامعه

بین‌المللی آنها را نمی‌پذیرد؛ و

- چهارم: یافتن راههایی برای پشتیبانی از دوستانمان در سراسر منطقه.

اقتصاد، دموکراسی، تروریسم و مواد مخدر، همگی مقولاتی هستند که در این زمینه

قرار دارند.

آیا ما برای پیشبرد منافعمان در منطقه سیاستهای خود را تغییر خواهیم داد؟ البته.

آیا آنها را تغییر می‌دهیم؟ این امر بستگی به رفتار دیگران دارد.

فراگرد صلح

دولت کنونی - همچون پیشینیان و آیندگان خود - دریافته است که تعقیب یک هدف بر توانایی ما در دنبال کردن دیگر هدفها اثر می‌گذارد. ما در پی صلح واقعاً فراگیر اعراب و اسرائیل، شامل موافقتنامه‌هایی در برگیرنده لبنان و سوریه هستیم. ما می‌خواهیم با سرعتی که طرفها مایلند به پیش برویم. ولی واقعیت کنونی این است که ما باید توجه خود را به فراگرد فلسطینی - اسرائیلی معطوف کنیم. هسته مسئله همین است.

حتماً شما هم موافقید، که تا پیش از آغاز گفتگوهای فلسطینی - اسرائیلی، تصور این امر که سوریه‌ها و اسرائیلی‌ها به سوی حل و فصل مناقشه خود حرکت کنند دشوار است. فکر می‌کنم که شما قبول دارید که آنچه مطرح است تنها جوهر مسائل مختلف نیست، بلکه این است که آیا طرفها به یکدیگر و روند - حرکت - اعتماد دارند. به رغم رویدادهای اخیر، تردید نداریم که همه طرفها خواهان دستیابی به صلح فراگیر از راه گفتگو هستند، ولی خواستن به تنهایی کافی نیست.

نیازی نیست که تأکید کنم در برهه‌ای سخت دشوار و حساس قرار داریم. همه می‌دانیم که با حرکت مذاکرات به جلو، مسائل دشوارتر خواهند شد. ولی آنها شاید از آنچه می‌پنداریم کم‌تر دشوار باشد. ما ترسی به دل راه نمی‌دهیم. از زمان کنفرانس مادرید ما شاهد فرازهایی در پی هر نشیبی بوده‌ایم و ما اکنون چیزی را می‌دانیم که پیش از سال ۱۹۹۱ نمی‌دانستیم. طرفها می‌خواهند موفق شوند. ما امیدوار بودیم که موافقتنامه الخلیل در ۱۵ ژانویه، اعتماد و اطمینان را بین

اسرائیلی‌ها و فلسطینیان تجدید کند و آنان را بار دیگر در مسیر صلح نهایی قرار دهد. چنین اتفاقی نیفتاد. هر دو طرف اعتماد خود را از کف داده‌اند: اسرائیلی‌ها به این دلیل که معتقدند فلسطینیان به اندازه کافی برای توقف ترور کار نمی‌کنند و شاید از خشونت به عنوان وسیله چانه زنی استفاده می‌کنند؛ و فلسطینیان به این علت که اقداماتی مانند شهرک سازی در حار حوما/ جبل ابوغنیم، در نتیجه گفتگوهای نهایی پیش داوری‌هایی بوجود می‌آورد. دو طرف اختلافهای مشروع دارند ولی این امر نباید مذاکرات را به طور کلی به خطر اندازد.

از آنچه برای به حرکت انداختن فراگرد کرده ایم، آگاهی دارید: ما رهبران منطقه‌ای - نتانیاوو، مبارک، حسین و عرفات - را در اوایل سال به واشنگتن آوردیم. دنیس راس، هماهنگ کننده ویژه خاورمیانه، به منطقه رفت، با این رهبران ملاقات کرد و نشست مسئولان امنیتی و رهبران سطح بالای سیاسی دو طرف را تشکیل داد. البرایت از واشنگتن اوضاع و بویژه تلاش‌ها را برای به حرکت درآوردن فراگرد زیر نظر داشت، ولی این دو طرف هستند که باید تصمیمات کلیدی لازم را برای دستیابی به این هدف اتخاذ کنند.

کلید تصمیم‌گیری، اعتماد بین طرفین است. بدون اعتماد، هیچ یک از دو طرف برای صلح تن به خطر نمی‌دهد. با بودن آن، احتمالات به نحو چشمگیری گسترش می‌یابد. اعتماد آفرینی زمینه‌ای است که آمریکا با طرفین روی آن کار کرده و می‌کند. تلاش فراوان ما در این زمینه، نکته‌ای را برای ما کاملاً روشن ساخته است: کشاندن اجباری طرفین به مذاکرات به شیوه سران ثمری ندارد و حتی ممکن است زیان آور هم باشد.

ما از تلاش‌های اخیر دولت مصر برای کمک‌روانی به فلسطینیان و اسرائیلی‌ها استقبال می‌کنیم - هیچ طرف خارجی نمی‌تواند برای دو طرف کاری بکند، مگر آنکه خود آنها بخواهند، ولی ابتکار مصر بازتاب این درک منطقه‌ای است که نبودن پیشرفت برای همه خطرناک خواهد بود.

ما از اسرائیل خواسته ایم تا به مسائلی توجه کند که نگرانی واقعی فلسطینیان است، مانند جبل ابوغنیم و ادامه اجرای موافقتنامه موقت. ما در ابراز دیدگاههای خود در این زمینه صادق هستیم. در ضمن، ما از فلسطینیان خواسته ایم تا آنچه در توان دارند برای جلوگیری از ترور و خشونت به عمل آورند. به هر حال، تهدید به مرگ فلسطینیانی که به اسرائیلی ها زمین می فروشند از سوی مقامات فلسطینی، توانایی ما را در یاری رساندن به ملت فلسطین تضعیف و پیشرفت به سوی صلح را کند می کند. باید چنین اقدامهایی را متوقف کرد. مقامات فلسطینی باید این را بگویند و اجرا کنند.

خلاصه کلام: ما به نقش خود به عنوان میانجی شرافتمند ادامه می دهیم و می دانم که می توانم روی شما برای حفظ شرافتمندی حساب کنم. ما از چنین مشارکتی استقبال می کنیم. اجازه دهید به برخی از جنبه های کمتر عمومی فراگرد صلح بپردازم. ما در سالهای آینده کمک بین المللی به فلسطینیان را تشویق خواهیم کرد، همان گونه که از زمان مادرید انجام داده ایم. ما در هفته پیش میزبان کمیته تخصصی چند جانبه رابط برای کمک به فلسطینیان در وزارت خارجه بودیم. رفاه اقتصادی مردم منطقه، برای ایجاد پشتیبانی از فراگرد صلح ضروری است.

تعهد نسبت به بهبود رفاه آنان که بیش از همه از کشمکش اعراب و اسرائیل رنج کشیده اند، همچنان یکی از ستونهای اصلی سیاست دولت کلینتون و جانشینانش خواهد بود.

ما روز گذشته ایجاد صندوق صلح و ثبات خاورمیانه را اعلام کردیم، که سالی ۱۰۰ میلیون دلار کمک می کند. تصمیم داریم در سالهای آینده از توسعه این صندوق حمایت کنیم. هدف ابتدایی صندوق، یاری رساندن به اردن به هنگامی است که نوسازی و اصلاحات اقتصادی خود را دنبال می کند. شما هم به عنوان آمریکایی بخوبی آگاهید که جلب حمایت برای کمک خارجی فزاینده، بویژه در چنین ابعادی، تا چه اندازه دشوار است. شما، به عنوان آمریکاییان عرب تبار، بویژه از حساسیت کمک به خاورمیانه، حفظ تعهدات ما در قبال کمپ دیوید و کمک به آنانی که برای صلح تن

به خطر می دهند، آگاهی دارید. صندوق، بیان ملموس حمایت ما از این رهبران منطقه ای است.

ما در گروه نظارتی اسرائیل - لبنان مشارکت داریم. همان طور که می دانید وارن کریستوفر، وزیر پیشین خارجه، در ایجاد این نهاد در آوریل ۱۹۹۶ برای کمک به خنثی کردن تنشها در امتداد مرز لبنان - اسرائیل، و جلوگیری از تلفات بیشتر غیر نظامیان نقش میانجی داشت. به رغم دشواریهای فراگرد صلح به طور کلی، گروه نظارتی اسرائیل - لبنان مأموریتش را به نحو احسن انجام می دهد. لبنانیها، اسرائیلی ها و سوریهها دور یک میز می نشینند و در مورد موارد نقض تفاهم بین اسرائیل و لبنان مصالحه می کنند و خود را به تفاهم متعهد کرده اند. به آسانی می توان گروه نظارت را کوچک و نادیده انگاشت، اما گروه نقش مثبتی دارد، و نشان می دهد که اعتماد ممکن است و همان اعتماد کارساز هم هست.

منظور از همه این ابتکارهای گوناگون، به زبان ساده، این نیست که آمریکا برای دراز مدت در خاورمیانه حضور دارد و در این مشارکت، خلاق باقی خواهد ماند. البرایت همچنین به مخاطبانش در هاروارد گفت که آمریکا مسئول کمک به شکل گیری تاریخ است. آمریکا داور گذشته یا آینده خاورمیانه نیست، ولی ما قصد داریم که به این منطقه برای آشتی با خود و همسایگانش کمک کنیم. صرف نظر از آینده درخشان مذاکرات، ما به شدت نگران زندگی روزمره ساکنان منطقه هستیم. صلح، نه روی کاغذ، بلکه در افکار مردم برقرار می شود. حتی به هنگامی که می کوشیم مذاکره کنندگان عرب و اسرائیلی را به یکدیگر نزدیک کنیم، آمریکا به تلاش دراز مدت تری برای دادن سهمی از صلح به مردم از راه منافع ملموس متعهد است. ورای ابتکارهای پرسروصدا، دفتری که من مسئول آن هستم، سخت می کوشد مسیر چند جانبه فراگرد صلح را تشویق کند تا این منافع را به مردم منطقه برساند.

نباید نقش مهم کنگره را در سیاست خاورمیانه ای ما نادیده گرفت. ما به حمایت نیرومند کنگره از فراگرد صلح و تأمین مالی مورد درخواست ما برای کمک به پیشبرد

صلح نیاز داریم و آن را ارج می‌نهیم. ولی باید بدانید که ما به هنگام اختلاف با کنگره، دیدگاه‌های خود را به اطلاع آن می‌رسانیم، مانند اختلاف‌های موجود برای قطع کمک به فلسطینیان یا انتقال سفارتخانه ما به بیت المقدس.

اینها مواضع کوتاه مدتی نیستند که با شرایط یا سیاست لحظه ای واشنگتن تغییر کنند. اینها بر دواساس استوار هستند؛ تعهد بنیادین ما به اینکه آنچه در توان داریم برای دستیابی به صلح عادلانه، فراگیر و پایدار در خاورمیانه انجام دهیم، و باور نیرومند ما به اینکه چنین ابتکارهایی نه تنها نقش ما را به عنوان میانجی شرافتمند تضعیف می‌کند، بلکه باعث شکست فراگرد صلح هم می‌شود. اسرائیلی‌ها و فلسطینیان موافقت کرده‌اند که سرنوشت بیت المقدس را در گفتگوهای وضعیت نهایی رقم بزنند. ما پیش از بررسی این موضوع باید به این قضاوت آنان احترام بگذاریم که آنان تا جایی که می‌توانند بین خود اعتماد پدید آورند.

و رای جوهر برخی از این پیشنهادها، نکته مهمتر از دیدگاه ما، حق ویژه رییس جمهوری در تعیین سیاست خارجی است. تصویب پیشنهادهای مربوط به بیت المقدس و تبدیل آنها به قانون و دیگر مسائل، تجاوز به اقتدار قانونی رییس جمهوری در زمینه هدایت سیاست خارجی است. ما کنگره را از دیدگاه خود در این راستا کاملاً آگاه کرده ایم. دولت - هر دولتی - باید توانایی رییس جمهوری را در اجرای سیاست خارجی ما حفظ کند. معنای آن، داشتن انعطاف پذیری برای انجام نقش ما به عنوان حامی مشترک، برانگیزنده و میانجی فراگرد صلح است. این دولت به همکاری سازنده با کنگره برای پیشبرد منافعمان در خاورمیانه، اما بدون مصالحه برسر اصول یا حقوق ویژه خود، ادامه می‌دهد.

عراق

سیاست ما در قبال رژیم صدام حسین براساس نیاز بسیار واقعی به مهار خطر آن برای منافع حیاتی ما در خلیج فارس، دوستانمان در همسایگی اش و ملت خودش

استوار است. ما با ملت عراق نیز جنگ نداریم و خواهان تضعیف تمامیت ارضی یا یکپارچگی آن نیستیم. ولی این گفته هم درست نیست که صدام دیگر خطری برای منطقه محسوب نمی شود. انسکام، کمیسیون ویژه سازمان ملل، مسئول نابودی سلاحهای کشتار جمعی عراق، هفته پیش گزارش داد که مسئولان عراقی در تلاشهای بازرسی انسکام، طبق قطعنامه های شورای امنیت، دخالت کردند و دست کم جان یک گروه بازرسی را به خطر افکندند.

ما برای حفظ یکی از سخت ترین رژیمهای بین المللی، مجازاتهای تاریخی بر ضد عراق، تلاش و پول فراوانی اختصاص داده ایم. در صورت نبودن تغییر چشمگیر در اوضاع عراق، آمریکا همچنان تضمین خواهد کرد که خطر رژیم کنونی عراق مهار شود. جامعه بین المللی همچنان نسبت به مجازاتهای سازمان ملل یکپارچه و متعهد باقی مانده است. شورای امنیت سازمان ملل از سال ۱۹۹۱ سی و هفت بار به اتفاق آرا به ادامه مجازاتها رأی داده است که آخرین آن در ماه مه بود.

حتی به هنگام کار روی حفظ مجازاتهای چند جانبه برای مهار رژیم عراق، به هنگام نیاز، مادر اقدام یکجانبه یا هماهنگ با شماری از دوستان، درنگ نخواهیم کرد. ما از منافع خود دفاع خواهیم کرد. آیا تنها به این علت که چند سال است مجازاتها برقرارند، زمان تغییر سیاستهای ما فرارسیده است؟ سیاستهای خارجی - برخلاف خودروها و یخچالها - کهنه نمی شوند. محدودیتی نیز برای درخواست به حساب پس دادن کشوری نیست که همسایگانش را تهدید و با ملت خود بد رفتاری می کند، یا در انجام وظیفه نهادهای سازمان ملل که برای اجرای قطعنامه های شورای امنیت می کوشند، کارشکنی می کند. به آن دسته از کسانی که امروز با صدام قرارداد می بندند، نصیحت می کنم: تردید دارم که جانشینان صدام، هر که باشند، به وعده های او عمل کنند.

ولی هدف سیاست ما در قبال صدام تنها جلوگیری از رویدادهای ناگوار نیست. ما همچنین تحولات مثبت را تشویق می کنیم. من در تلاش فشرده و ابتکار مهم - اما

بی سرو صدا - برای کمک به برقراری ثبات سیاسی در شمال عراق از راه مذاکرات مستقیم میان طرفهای اصلی آنجا شرکت دارم.

درست است که یکی از هدفهای ما جلوگیری از بهره برداری صدام حسین از بی ثباتی و اعزام سربازان به منطقه است، همان کاری که پاییز گذشته کرد. این هم درست است که نمی خواهیم به تهران فرصت مداخله در منطقه را بدهیم. ما برای داشتن این هدفها از کسی پوزش نمی خواهیم. ولی تلاشهای ما - همگام با تلاشهای انگلستان و دولت ترکیه - همچنین برای برقراری صلح در شمال عراق به خاطر اهالی آنجاست، که مدتهاست رژیم بغداد آن را نقض کرده است.

تلاشهای ما، شامل برقراری آتش بسی که از اکتبر گذشته پابرجاست، راه را برای اجرای قطعنامه ۹۸۶ شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه به اصطلاح «نفت در برابر غذا»، هموار ساخته است. این برنامه، که به تازگی شورای امنیت آن را تمدید کرد، در صورت همکاری رژیم عراق با سازمان ملل، به کسانی کمک بشردوستانه می رساند که سخت نیازمندند. خوشوقت خواهیم شد که به هنگام پرسش و پاسخ به جزئیات تحویل تدارکات بشردوستانه به عراق بپردازیم، ولی اجازه دهید که اکنون تأکید کنم که آمریکا به هیچ وجه از ارسال و توزیع چنین کالاهایی بین عراقیهای نیازمند جلوگیری نکرده است. این تقصیر به گردن صدام، و تنها صدام، است.

به مسئله دیگری می پردازیم که مورد علاقه جهان عرب، و احتمالاً شماست. عملیات نظامی اخیر ترکیه برضد پ ک ک در شمال عراق. ما از حق ترکیه در دفاع از خود با ابزار نظامی برضد پ ک ک پشتیبانی می کنیم. ولی ما همچنین از متحد ترک خود همواره می خواهیم که عملیات خود را از لحاظ زمانی و ابعاد، محدود نگه دارد و بکوشد تا حداقل آسیب به غیرنظامیان وارد شود. ما بارها دولت ترکیه را از دیدگاههای خود آگاه کرده ایم. افزون بر آن، ما از تمامیت ارضی عراق کاملاً حمایت می کنیم.

خلاصه کلام، ما انتظار روزی را می کشیم که عراق بار دیگر به عنوان یک عضو پیرو قانون به خانواده ملتها بپیوندد. البرایت در نطق مهم خود در اواخر ماه مارس،

همین پیام را رساند. در این بین، ما سیاستی را که هدفهای عالی‌ه ما را بر آورده می‌سازد، تغییر نخواهیم داد.

ایران

انگیزه سیاست ما در قبال ایران دشمنی با نظام اسلامی نیست، بلکه سیاستهای خارجی ناشایست این نظام خاطی است. بویژه حمایتش از تروریسم، تلاشش برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، مخالفتش با فرایند صلح خاورمیانه، کوشش آن برای براندازی دولتهای همسایه و احترام نگذاشتن آن به معیارهای بین‌المللی حقوق بشر. هدف از سیاست ما تغییر این رفتار از راه فشار اقتصادی و سیاسی، و در همان حال، محدود کردن تواناییهای ایران در مشکل آفرینی تا زمان تغییر آن سیاستهاست. ما خواهان به انزوا کشاندن ایران یا سرنگونی نظام آن نیستیم.

طرز رفتار با ایران دشوارتر از عراق است، چون اجماع بین‌المللی در مورد چگونگی کاهش در دسر آفرینی ایران وجود ندارد. رژیم مجازاتهای سازمان ملل بر ضد عراق در مورد ایران وجود ندارد. از اختلافهای ما با متحدان اروپایی مان بر سر ترجیح اتحادیه اروپایی به سروکار داشتن با ایران آگاهی دارید. رویکرد اروپایی هنگامی تغییر کرد که دادگاه آلمانی به تازگی نتیجه گرفت که بالاترین سطوح رهبری ایران در کشتار ناراضیان کرد در مونیخ در سال ۱۹۹۲ دخالت داشته است. ما هرگز از اروپاییان نخواسته ایم به گفت و شنود با تهران پایان دهند. ولی گفته ایم که این گفت و شنود باید مطابق با عنوان آن باشد. باید رفتار ایران را مورد انتقاد قرار دهد و نباید صرفاً برای گفتگو کردن باشد. تاکنون، گفت و شنود فاقد بخش انتقادی بوده و رفتار ایران نیز تغییر نیافته است.

از این فرصت استفاده می‌کنم و سیاست خود را در قبال گفت و شنود با دولت ایران روشن می‌سازم. ما نیز خواهان گفت و شنود با ایران هستیم. اما تنها هنگامی چنین کاری قابل توجیه است که گفت و شنود درباره زمینه‌هایی باشد که ما با ایران

مشکل داریم، از جمله در مورد حمایت از تروریسم، تلاش برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی و تضعیف روند صلح. انتظار داریم که ایران نیز مسائلی برای مطرح کردن داشته باشد.

پرسش روز این است که آیا در پی انتخاب غیر منتظره (آقای) محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران، ما سیاست خود را تغییر خواهیم داد. ما بر این باور هستیم که پیروزی خاتمی، تمایل ملت ایران را به تحول در شیوه حکومت کشور نشان داده است. ما از این نشانه که ایران - در چارچوبی - بیان دموکراتیک را مجاز خواهد شمرد، خوشحال خواهیم شد. ما تنها به بهبودهای قطعی علاقه مندیم. ما در ماههای آتی و فراتر از آن، نشانه‌هایی را دنبال خواهیم کرد که حاکی از تغییر مسیر دولت جدید ایران در زمینه‌هایی باشد که به آنها اشاره کردم. تا هنگام آن تغییرات، ما نمی‌توانیم سیاستهای خود را در قبال ایران تغییر دهیم. معنای عملی این گفته آن است که ما به همکاری با شریکان خود برای جلوگیری از دستیابی ایران به فن آوری حساس ادامه خواهیم داد. مجازاتهای یک جانبه خود را بر ضد تجارت با ایران حفظ می‌کنیم؛ و به تلاش برای نزدیکتر کردن رویکردهای خود در قبال ایران ادامه می‌دهیم.

اسلام

من به تازگی برای کارکنان وزارت خارجه آمریکا که قرار است در سفارت خانه‌های ما در کشورهای خاورمیانه مشغول کار شوند، سخنرانی کردم، به آنان گفتم که در بحبوحه جریانهای تاریخی مهم، زندگی و کار خواهند کرد. یکی از این جریانها روابط بین اسلام و غرب است. از این فرصت استفاده می‌کنم و به شما می‌گویم که چیزی به نام «سیاست آمریکا در قبال اسلام یا کشورهای اسلامی» وجود ندارد. به عقیده من، نباید هم وجود داشته باشد. اتخاذ سیاستی براساس مذهب یا انگ زدن به یک نظام سیاسی نه تنها غیرعقلانه است، بلکه از دیدگاه بیشتر آمریکاییان زبان بخش و نابخردانه است. ما از اصول عقاید اعلام شده برای رفتار یک حکومت

نگران نیستیم، اما نگران خود آن رفتار هستیم. از دیدگاه سیاست خارجی آمریکا، آنچه کشوری انجام می دهد اهمیت دارد، نه نامی که بر خود نهاده است. ما به اسلام به عنوان چیزی یکپارچه نمی نگریم که به نحوی تغییر ناپذیر مخالف آمریکا و به طور کلی غرب است. همچنین معتقد نیستیم که پیروی از اسلام، حمایت از تروریسم را تشویق یا توصیه می کند. اینها مسائل دینی نیستند. ما بین اسلام و آنانی که به اسلام برای پوشش آرمانها و اقدامات تندروانه خود توسل می جویند تمایز قایل می شویم.

ولی معنایش هم این نیست که ما کسانی را نادیده می گیریم که برای نمونه، به مناقشه اعراب و اسراییل به عنوان بخشی از روابط اسلام با غرب می نگرند. ما نمی توانیم رابطه اسلام را با سیاستهای داخلی و خارجی دوستانمان در منطقه نادیده بگیریم. ما آرایشهای نظامی خود را در منطقه با دقت فراوان به اجرا در آورده ایم تا حربه به کسانی ندهیم که برای هدفهای سیاسی خود، اقدامات ما را به عنوان - حرکتی - ضد اسلامی تحریف می کنند. ما در هر جا با چنین تحریفهایی مقابله خواهیم کرد. مهمتر از همه، ما برای دستیابی به صلح عادلانه و پیشرفت اقتصادی خاورمیانه سخت تلاش خواهیم کرد، چیزی که حامیان تندرو امید دستیابی به آن را ندارند.

ژوئیه ۱۹۸۰

مجلس شورای اسلامی

نتایج

در غوغای فراگرد صلح، عراق، ایران و دیگر مسائل، دولت (آمریکا) سیاستهای کم سروصداتر - ولی نه بی اهمیت تر - را در منطقه دنبال خواهد کرد. ما از پیگیری دموکراسی بیشتر، تکرگرایی و احترام به حقوق بشر خسته نمی شویم. ما به پیشبرد اصلاحات اقتصادی کنونی ادامه خواهیم داد. مصر و اردن گامهای بلندی برداشته اند. ما سرگرم گفتگوهای پیگیر با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هستیم تا نقش بزرگتری به بخش خصوصی بدهند و از سرمایه گذاری خارجی استقبال کنند. اصلاحات تنها برای شرکتهای آمریکایی سودآور نیست بلکه به آن کشورها اجازه

می دهد تا در جذب مصرف کنندگان برای کالاهای خود و نوعی سرمایه گذاری که به رشد ثابت کمک می کند، با دیگر مناطق جهانی بهتر رقابت کنند.

در سه سال و نیم باقی مانده دوره ریاست جمهوری کلینتون، خاورمیانه همچنان از بالاترین اولویتها در سیاست خارجی ما برخوردار خواهد بود. ما به خاطر منافع ملی خود و برای ملت‌های منطقه از هیچ تلاشی که برحق باشد فروگذار نمی کنیم.

و در این مسیر همواره از اندیشه‌های شما استقبال خواهیم کرد. میراث شما، روشن بینی و فرصت یگانه‌ای در اختیار شما گذاشته است تا به عنوان پلی بین آمریکا و این منطقه مهم عمل کنید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی